

اقلیم حضور

یادنامه شاهرخ مسکوب

www.ketab.ir

به کوشش
علی دهباشی



نشر افکار

سرشناسه: دهباشی، علی، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: اقلیم حضور: یادنامه شاهرخ مسکوب / به کوشش علی دهباشی

مشخصات نشر: تهران: نقد افکار، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۶۷۱ ص.؛ مصور

شابک: ۷- ۹۵ - ۸۹۱۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مسکوب، شاهرخ، ۱۳۰۴ - ۱۳۸۴، - یادنامه ها

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ی ۸۴ ی ۷۳ س / PIR ۸۲۱

رده بندی دیویی: ۸۶۳ / ۸ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۸۲۶۰



حرکت نشر
نشر افکار

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به پلچ شمیران، کوی نویخت،

شماره ۲، طبقه همکف؛ تلفن: ۸۸۸۹۵۶۸۵ تلفکس: ۷۷۶۰۲۳۱۲

www.nashreafkar.com, nashreafkar@gmail.com

اقلیم حضور

گردآورنده: علی دهباشی

حروفچین و صفحه‌آرا: حمید سناجیان

ناظر فنی چاپ: حسین کاظمیان

لیتوگرافی: طیف نگار؛ چاپ: مهارت؛ صحافی: مهرگان

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه نوبت چاپ اول: ۱۳۹۰

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۷ - ۹۵۰۱۴ - ۸۹۱۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

- یادداشت..... ۹
- او بزرگ تر از افلاک بود / علی دهباشی..... ۱۱
- درباره مسکوب..... ۱۳
- یاد مسکوب / ایرج افشار..... ۱۵
- مسکوب، اقلیم حضور بود / دارپوش شایگان..... ۱۷
- عشق داغی است که تا مرگ نباید نرود / حسن کامشاد..... ۱۹
- پنج تا یک دقیقه / احمد مسکوب..... ۲۷
- در موج موج خاطره های گذشته / کامران فانی..... ۳۲
- عشقی که با خورش آمیخته بود / جلال ستاری..... ۳۷
- سرگذشت فکری و آثار شاهرخ مسکوب از نظر خود او / یوسف اسحاق پور..... ۳۸
- مسکوب منحصر به فرد بود / گفتگو با دکتر علی بنوعزیزی..... ۵۱
- مسکوب، فراتر از کلاس های رایج روشنفکری / سیروس علی نژاد..... ۵۴
- در سوگ شاهرخ مسکوب / علی دهباشی..... ۵۸
- شاهرخ مسکوب روشنفکر ایرانی در مهاجرت / کریستین ژامبه..... ۶۰
- با شاهرخ مسکوب در خواب و بیداری / ایرج پارسى نژاد..... ۶۲
- نمونه ناب و نادر روشنفکر ایرانی / رامین جهاننگلو..... ۷۴
- شاهرخ مسکوب، شاهین بلند پرواز اندیشه و فرهنگ / جلیل دوست خواه..... ۷۹
- حضورى دیگر برای آنکه رقت / عبدالله کوثرى..... ۹۳
- شاهرخ مسکوب و ما / حورا یاورى..... ۹۶
- تصویر مجالۀ ما / صدرالدین الهی..... ۱۰۲
- دریغا شاهرخ مسکوب / مسعود بهنود..... ۱۰۹
- زادگاه زاینده در رویای مسافر کوچیده از وطن / احمد کریمی حکاک..... ۱۱۲
- شاهرخ مسکوب رقت / محمّد گلین..... ۱۲۷
- تماشای گذشت زمان / ایرج هاشمی زاده..... ۱۲۸
- مسکوب، انسانی نمونه در زندگی و هنر / مهدی تهرانی..... ۱۳۸
- در سوگ سیاوش / گیتی شامبیاتی..... ۱۴۱

روزها در راه / محمد رحیم اخوت.....	۱۴۴
روزها در راه و سفر در خواب / محمد رحیم اخوت.....	۱۵۸
تواضع و ادب / رضا قاسمی.....	۱۶۵
سلیمان سخن / پرویز براتی.....	۱۶۷
آب را می بینی که چه آسان می آید / مهران انصاری.....	۱۷۳
مسکوب به روایت مسکوب / محمد حسین خسروپناه.....	۱۸۱
در سوگ مسکوب / فرخ امیر فریار.....	۱۹۴
آهنگ هایی که مادرم به من آموخت / علیرضا غلامی.....	۱۹۷
سخن در جان مسکوب / فرنگیس حبیبی.....	۲۰۰
مسکوب در سوگ سیاوش / احمد کاظمی موسوی.....	۲۰۷
سوگ سیاوش / محمد جلالی چیمه (م. سحر).....	۲۱۸

گفتگو.....	۲۲۱
درباره سیاست و فرهنگ / گفتگوی پاکدامن و شاهرخ مسکوب و... ..	۲۲۳
گفته ها درباره تاریخ، سیاست، مدرنیته، فرهنگ و وطن / شاهرخ مسکوب.....	۲۶۲
درباره سیاست و فرهنگ / گفتگوی علی دهباشی با شاهرخ مسکوب.....	۲۷۲
گفت و گو با شاهرخ مسکوب درباره زمان در شاهنامه / شاهرخ گلستان.....	۲۹۴

نقد کتاب های شاهرخ مسکوب.....	۳۰۳
شاهرخ مسکوب و «سیاست و اجتماع» / حورا یآوری.....	۳۰۵
شاهنامه و شاهرخ مسکوب / حسام الدین نبوی نژاد.....	۳۱۷
نقدی بر «مقدمه ای بر رستم و اسفندیار» / مصطفی رحیمی.....	۳۳۶
نگاهی به آثار مسکوب / کوروش قنبری.....	۳۴۹
جستاری در شاهنامه / محبوبه مهاجر.....	۳۵۹
غافل از اسطوره هزاران سیاوش این زمان / سعید ابوالقاسمی.....	۳۶۱
زیستن در زبان مادری / فرهاد حیدری گوران.....	۳۶۴

شب شاهرخ مسکوب.....	۳۷۱
گزارش مراسم بزرگداشت زنده یاد شاهرخ مسکوب / پروانه ستاری.....	۳۷۳
کارنامه ای حالا دیگر تمام / انوشیروان گنجی پور.....	۳۸۱
گزارش مراسم یادبود شاهرخ مسکوب در پاریس.....	۳۸۷

نامه ها.....	۳۸۹
بخشی از نامه به یک دوست.....	۳۹۱
نامه ای دیگر از شاهرخ مسکوب.....	۳۹۵
نامه دوست به شاهرخ / نسیم خاکسار.....	۴۰۰
نامه از دوستی تازه / نسیم نیلی.....	۴۰۴

۴۰۹	یادی از شاهرخ مسکوب / ناصر زراعتی
۴۲۱	چند نامه
۴۳۱	نامه دوست آزرده خاطر

□ از آثار مسکوب

۴۴۲	یادگارهایی از شاهرخ مسکوب
۴۴۵	الف. خاطرات
۴۴۶	روزها در راه
۴۴۷	خاطراتی از بزرگ علوی
۴۸۵	ب. نوشته‌ها
۴۸۹	مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار
۴۹۱	قصه سهراب و نوشدارو
۴۹۹	شاهنامه و تاریخ
۵۱۲	زین آتش نهفته
۵۴۱	ملاحظات درباره شاهنامه فردوسی
۵۵۷	درباره سیاست و فرهنگ
۵۶۳	درباره خیزاب‌ها
۵۷۰	ای سرزمین من!
۵۷۲	

ج. ترجمه

سخنی دیگر در باب: «پسر ایران از مادرش بی‌اطلاع است»

۵۷۹	یوسف اسحاق پور / شاهرخ مسکوب
-----	------------------------------

□ تصاویر و ...

۵۸۵	
-----	--

www.ketab.ir

یادداشت

او بزرگ‌تر از آثارش بود

علی دهباشی

«او بزرگ‌تر از آثارش بود» این تعبیر را از دکتر داریوش شایگان درباره‌ی شاهرخ مسکوب شنیدم. حلقه‌ی معاشران و دوستان مسکوب هر یک با تعبیری تحسین‌آمیز از خلیقات و ویژگی‌های اخلاقی و سلوک انسانی و عاطفی او یاد کرده‌اند که در مقالات کتابی که در دست دارید در باب آن به تفصیل خواهد خواند.

افزون بر ویژگی‌های برجسته‌ی انسانی، ما با شاهرخ مسکوب متفکر، نظریه‌پرداز ادبی، شاهنامه و حافظ پژوه یگانه رو به‌روایم. آنچه که مسکوب در بخشی از آثارش در مورد حافظ و شاهنامه نوشته است حکایت از زندگی طولانی و عمیق او «در کوی دوست» دارد.

مطالعات دقیق و موشکافانه او در حوزه ادبیات حماسی غرب و شاهنامه فردوسی منجر به خلق آثاری شد که در عرصه شناخت اسطوره‌های شاهنامه و پیشینه آن در باورهای دینی و ملی ما ایرانیان ماندگار خواهد ماند و هرگز رنگ کهنگی نخواهد گرفت و هر چه بگذرد ارزش‌های ناشناخته‌اش بیشتر نمایان خواهد شد.

یکی دیگر از ویژگی‌های زندگی اجتماعی آن زنده یاد مسئله روشنفکری اوست؛ این زمینه زندگی‌اش مثل همه ابعاد دیگر شخصیتش متفاوت با دیگران و اقران اوست. می‌دانیم که با عضویت در حزب توده در دهه بیست وارد جریانات روشنفکری و سیاسی شد، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان گرفتار آمد و تأملات در زندان و بعد حوادث هولناک محارستان و رفتار شوروی‌ها و ماجرای ملی شدن نفت و عکس‌العمل نادرست رفقای منجر به جدایی و انزجار او از «اردوگاه» و استالینیسم شد. آنچه که مسکوب در نقد روشنفکری این دوره و خودش نوشته است از مهم‌ترین نقدهای دقیق سیاسی تاریخ معاصر ایران است.

بخش دیگری از کارهای قلمی او، که ناشناخته مانده، یادداشت‌های روزانه وی است. در جایی گفته یا نوشته‌ام که هر آینه مسکوب این یادداشت‌ها را به یکی از زبان‌های رایج این زمان نوشته بود، بدون تردید در کنار یادداشت‌های روزانه کافکا، کامو، یونسکو و... قرار می‌گرفت. باید «روزها در راه» را بخوانید تا مدعای راقم این سطور را تأیید کنید.

چگونه می‌توانم این یادداشت را به پایان برسانم و از اصلی‌ترین وجه شخصیت او یعنی ایران دوستی و اعتقاد به این آب و خاک یاد نکنم. او که عاشقانه به تاریخ و جغرافیای این سرزمین

عشق می‌ورزید سال‌هایی از عمر پر بارش را در غربت گذراند؛ اگرچه قلبش برای این خاک می‌زد. شاید اگر رشته سخن را به خودش بسپارم گویاتر باشد «به قدری در هوای ایران به سر می‌برم که انگار نه انگار اینجا زندگی می‌کنم. پاهایم اینجا است ولی دلم آنجاست. زندگی و هوش و حواس من در جای دوری، که از آن بریده شده‌ام، می‌گذرد، نه در جایی که در آن نیستم.»

اکنون شاهرخ مسکوب در خاک وطنی که اینگونه عاشقانه دوستش می‌داشت خفته است. و ما دوستدارانش به یاد و خاطره او این یادنامه را تدارک دیده‌ایم تا کسانی که او را ندیدند و نسل‌های بعد بخوانند و او را زنده‌تر از امروز ببینند، خاک بر او گوارا باد!

در تنظیم مقالات یادنامه تلاش کرده‌ایم به تمامی جنبه‌های زندگی مسکوب بپردازیم. امیدوارم موفق شده باشیم.

علی دهباشی

پاییز ۱۳۸۸

www.ketab.ir

www.ketab.ir

دربارهٔ مسکوب

یاد مسکوب

ایرج افشار

شاهرخ مسکوب - یکی از نازنین‌ترین نویسندگان آزاده فکر - از دستان رفت. او بیست و چند سال پایان زندگی را با دشواری و دلتنگی دور از دیاری که بدان تعلق روحی و دلبستگی فرهنگی داشت گذرانید و عاقبت به بیماری ناسزاواری دچار شد و در دل غربت جان سپرد. پیکرش را از پاریس به تهران آوردند و با تجلیل و احترام به خاک وطن سپردند.

تردید نباید کرد که دوران ناگوار بیماری را به یاد ایران و ستیغ‌های بلند کوهسار ادبی آن بود و گذشته‌های شاد و ناشاد زندگی را در خیال بررسی می‌کرد، از ایامی که امید به حزب توده ایران بسته بود تا روزهایی که ناامیدانه راه مهاجرت به دیار فرنگ را پیش گرفت. طبعاً به آنچه در کتاب روزها در راه نوشته و آنچه که در آن نوشته می‌اندیشیده است.

برای او ممکن نبود که خود را از گذشته دور نگاه دارد. زیرا با تاریخ و ادب ایران دمخور و آشنای دیرین فردوسی بود و با چنین فرهنگی می‌زیست و گذرگاه‌های صعب و کوی‌های دل‌انگیز آن را می‌شناخت، گاهی که به تهران می‌آمد و به محفل دوستان قدیم قدم می‌گذاشت خرب مشهود بود که چرا گذشته را از یاد نمی‌برد. او صاحب اندیشه‌ای والا بود، تاریخ‌دان و ادب‌شناس بود. در فضای گشاده و آسمانی شاهنامه پروازها کرده و با بیت‌الغزل معرفت حافظ انس گرفته بود. ناچار همه جا و همه وقت به آن ایرانی می‌اندیشید که اندیشه و قلمش برجستگی‌های فرهنگی آن را در چند کتاب و ده‌ها مقاله عنوان کرده است.

بر من پنجاه سال گذشته است از سال‌هایی که با لطافت صحبت و کنایات و عبارات دلاویز او چه به هنگام خیابان گردی دوره جوانی و همنشینی در خانه دوستان و چه دیدارها در سازمان جلب سیاحان - که با احمد اقتداری و دو سه تن دیگر کارشناس آنجا بودند مأنوس بوده‌ام و از صمیمیت او در نوشته‌هایش لذت برده‌ام و اکنون می‌سوزم و افسوس می‌خورم که او نیست.

نخستین کتابش که مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار (۱۳۴۲) نام داشت زود آواز گرفت و مایه ادبی درخشان او را شناساند. او نشان داد در تحلیل مباحث اساطیری و حماسی قلمش گویا و تواناست. پس از آن سوگ سیاوش (۱۳۵۱) را نوشت و یکی از نمادهای ماندگار تفکر ایرانی را

با جلوه‌ای نوین و به قلمی تحلیلی برایمان تازه کرد. در حالی که پیش از آنها به سوفکل و اشیل دنیای پر طمطراق یونانی پرداخته بود.

از هنگامی که به فردوسی پرداخت و بر روحیه تاریخی مربوط به دایره دنیای زیبای ایرانی دست یافت آن را رها نکرد. فردوسی ملهم بزرگ او بود و غور در شاهنامه دلچسب برای او. باز در همین سال‌های اخیر چند گفتار جداگانه در قلمرو و زمینه‌های مختلف شاهنامه به رشته تحریر در آورد که می‌باید همه در یک مجموعه انتشار پیدا کند.

سومین کتاب ایرانی او ملیت و زبان نام داشت. آن را نخست در دیار غربت به چاپ رساند. زیرا به خوبی دریافته بود که ماندگاری ایران در تاریخ بستگی ویژه‌ای به زبان فارسی داشته است. درین رساله کوشید نقش دیوان و دین عرفان را در قلمرو زبان فارسی مشهود سازد و چون بار دوم که آن را به دست چاپ سپرد با نام گویاتر هویت ایرانی و زبان فارسی منتشر ساخت و بهتر نمایانده شد که بیش از پیش متوجه بر اهمیت فرهنگی و جهانی زبان فارسی برای یگانگی و یک پارچگی فرهنگی ایران شده است. اگر چه آن را در عنوان «هویت» پوشانیده است.

خلاصه تفکرات سیاسی تاریخی او را می‌توان چنین برآورد کرد که هم تاریخ حماسی ایران را مهم و مؤثر و آشنایی بدان را برای همگان ضرور می‌دانست و هم زبان فارسی و آثار بازمانده آن را عامل اساسی شناختن هویت قرار داده بود. در کتاب‌های دیگرش مانند چند گفتار در فرهنگ ایران و یادداشت‌های دلچسب و صمیمی او هم رگه‌های تابناکی از این تفکر دیده می‌شود.

آخرین کتاب او به نام کتاب مرتضی کیوان (۱۳۸۲) در تهران نشر شد. آن را به یاد مرتضی کیوان گرد آورد و خواست یادگاری بر جای بماند از روزگاری که به همراه کیوان در راهی افتاده بود که خود را با خردورزی و به شوق آزاد بودن از آن وادی که سفری خواب آلود بود رها ساخت. یادش باید که در یادها بماند.

لوس آنجلس - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۴